



ارگان رسمی | شماره ۹۶
هفته چهارم
دانشگاه تهران | آبان ماه ۱۳۹۴

یک شب خاورمیانه‌ای برای پاریس

رضامیثمی فرد

بیک | انفجار اول در نزدیکی استادیوم فوتبال پاریس و هنگام بازی دوستانه دو تیم آلمان و فرانسه و زمانی انجام شد که فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری فرانسه داخل استادیوم بود. انفجار دوم نیز حدود پانزده دقیقه بعد اتفاق افتاد. به گفته شاهدان عینی عاملان حمله فریاد می زدند: «امروز را یازده سپتامبر فرانسه می کنیم!»

همزمان شش تیراندازی در نقاط دیگر پاریس روی داد و سپس افراد مسلح با ورود به یک سالن کنسرت بیش از هزار و پانصد نفر را به گروگان گرفتند. شاهدان عینی می گویند گروگان گیران هنگام ورود به سالن کنسرت فریاد زدند: «این کار را برای سوریه انجام می دهند!»

فرانسوا مولن، دادستان فرانسه گفت: ۱۲۹ نفر کشته و ۳۵۲ نفر مجروح شده‌اند که وضعیت ۹۹ نفر آن‌ها بسیار وخیم است؛ وی افزود می‌دانیم که داعش مسئولیت این حملات را بر عهده گرفته است؛ ضمناً یکی از تروریست‌های انتحاری یک پاسپورت سوریه به همراه خود داشته است. دو | اخبار اتفاقات پاریس به سرعت مخابره می‌شود. رؤسای جمهور کشورها و مسئولین بین الملل در ابلاغ پیام تسلیت به ملت و دولت فرانسه گوی سبقت از یکدیگر می‌ربایند؛ آمریکا، انگلیس، روسیه، بان کی مون، کانادا، آلمان، ایتالیا، ترکیه، کویت، عربستان سعودی، مصر،

استرالیا، کره جنوبی، فیلیپین و... در اینجا رئیس جمهور ایران خود را به سرعت در میانه قافله جا می‌کند: «بجانب به نام ملت بزرگ ایران که خود یکی از قربانیان پدیده شوم تروریسم بوده است؛ این جنایات ضد بشری را شدیداً محکوم کرده و به ملت سوگوار و دولت فرانسه تسلیت می‌گویم.» یقیناً باید از موضع صحیح رئیس جمهور در قبال محکوم کردن تروریسم جهانی و جنایت علیه انسانیت تشکر کرد. اما ساعاتی بعد پیامی از ریاست جمهوری ایران مخابره می‌شود که محل تأمل است. پیام تسلیت حادثه تروریستی اخیر بیروت به ملت رشید لبنان! جناب رئیس جمهور در حالی ساعت‌ها پس از پیام به پاریس یادشان آمده است به ملت رشید لبنان پیام تسلیت مرقوم فرمایند که حادثه «برج البراجنه» بیروت یک شبانه روز پیش از حادثه پاریس به وقوع پیوسته بود. اگر چه می‌توان با بلاهتی ساده از کنار این اتفاق گذر کرد اما اگر خوب بنگریم این تقدم زمانی معانی بسیاری را بر ما روشن می‌کند. پاریس مقدم است! پیام ساده این ترتیب زمانی همین است، برتری خون فرانسوی‌ها بر لبنانی‌ها! این نگاه ما قبل انقلابی رئیس جمهور محترم نه تنها در اقلیتی در ایران و تجمع کنندگان در مقابل سفارت فرانسه بلکه در عرصه سیاسی جهان قابل مشاهده است.

کشورهای غرب آسیا در حالی که خود درگیر انفجارها و ناامنی‌های روزانه هستند باید به سرعت حادثه پاریس را محکوم کنند که مبادا زیر پرچم حمایت از خونریزی و ترور در فرانسه محور شرارت و صادرکننده تروریسم شناخته شوند. تلخی یک جمله از بشار اسد را ملت‌های منطقه ما به خوبی می‌چشند: «فرانسه چیزی را تجربه کرد که ما از پنج سال پیش با آن زندگی می‌کنیم!» آنچه اسد به هیئت پارلمانی فرانسوی گفت حکایت از یک بازی قدیمی دارد. بازی ابرقدرت‌ها که در آن انسانیت، بشریت و مفاهیم زیبای حقوق بشری ابزارهای دست جنایتکارترین‌های عالم است. سال‌های زیادی بود که شلاق‌های استکبار و استعمار می‌خواست ملت‌های مستضعف را به این نتیجه برساند که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها از شما برترند؛ آنان جهان اول و شما جهان‌های عقب‌مانده اید. جان‌ها و دارایی‌های شما در خدمت رفاه آنان است. اما انقلاب اسلامی به ملت‌های مستضعف هویت و شخصیت داد. امام خمینی (ره) به ملت‌های جهان آموخت نباید برده ابرقدرت‌های شرق و غرب بود و ملت ایران پیشگام مبارزه‌ای شد که بینی شرق و غرب را به خاک مالید و علم استقلال و آزادی را برافراشت و در دهه‌های متوالی جنگ نو به نو اثبات کرد لیاقت این پرچمداری را

دارد. اما چه شده است که از میان چنین ملت فهیمی یک مقام رسمی کشور، برتری غربی‌ها را به صورت ضمنی پذیرفته است الله اعلم!

آنچه در این میان مهم است شناخت قواعد بازی ابرقدرت‌هاست؛ «آنها می‌گویند «حقوق بشر» و منافع غرب را اراده می‌کنند؛ می‌گویند «دموکراسی»، و دخالت نظامی در کشورها را به جای آن می‌نشانند؛ می‌گویند «مبارزه با تروریسم»، و مردم بی‌دفاع روستاها و شهرها را آماج بمب‌ها و سلاح‌های خود می‌سازند. در نگاه آنها، بشریت به شهروندان درجه‌ای یک و دو و سه تقسیم می‌شوند. جان انسان در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ارزان، و در آمریکا و غرب اروپا گران قیمت‌گذاری می‌شود. امنیت آمریکا و اروپا مهم، و امنیت بقیه‌ی بشریت بی‌اهمیت دانسته می‌شود.»

سه | از یاد نمی‌بریم آن هنگامی را که آمریکا، فرانسه و دول هم‌پیمانانش از شوق قدرت گرفتن مخالفان بشار اسد برای تسلط بر اوضاع سوریه به حمایت و تسلیح بی‌مهابای داعش می‌پرداختند.

راه حل آن‌ها برای کنترل موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا، مسلح کردن و قدرت دادن به گروهک‌های مخالف نظام اسد بود؛ طرح‌های نابخردانهای که به زودی از کنترل خارج شدند. آنچه اکنون برای اروپا

مشاهده می‌شود به نوعی همان تجربه نه چندان دلچسب آمریکا در مورد القاعده است. اینکه طرح نقشه‌های ایجاد ناامنی در اروپا را خود جبهه استکبار کشیده باشد، چیزی شبیه یازده سپتامبر، و یا اینکه آتش داعش ناخواسته دامن فرانسه را گرفته باشد تفاوتی در اصل مسئله ندارد.

داعش با بیانه‌ای مسئولیت حملات را پذیرفته و مقامات فرانسوی، اولاند، سارکوزی و فایوس اعلام کرده‌اند که به انتقام این حوادث حملات جدی را علیه داعش در سوریه انجام خواهند داد. آنچه مشخص است سیاست‌های دول غربی هرگز بر نابودی گروه‌های تکفیری و افراطی نبوده است بلکه سعی در تقویت آن‌ها در منطقه و از طرفی دیگر تضعیف خطر آن‌ها برای غیر منطقه، اروپا و آمریکا، داشته‌اند. به خصوص با موفقیت‌های موافقان اسد در روزهای اخیر پیش بینی آینده با تش‌های بیشتر در سوریه در مقابل جبهه روسی-ایرانی-سوری دور از انتظار نخواهد بود. و در نهایت باز هم این منطقه‌ی آسیای غربی و جهان اسلام خواهد بود که در دشمنی‌های استکبار و ایادی آن‌ها از جایگاه اسلام آمریکایی شعله‌ور است.

۱. رهبر معظم انقلاب در اجلاس غیرمتمعه‌ها سال ۱۳۹۱ ه.ش.

با «دزد دزد گفتن» دزدان دزدی دست‌بر‌نمیدارد

محمد‌هادی سلیمی‌زاده

مبارزه با فساد یکی از شعارهای کلیدی انقلاب اسلامی و از شاخص‌های پویایی و سلامت حاکمیت و جامعه است. اما این شعار تا چه میزان در جامعه ما پیاده شده است؟ سالیانی طولانی است که کشف فسادهای بزرگ اقتصادی به سرخط اصلی اخبار کشور بدل شده و این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا حاکمیت اسلامی و انقلابی نسبت به حاکمیت شاهنشاهی گذشته در مبارزه با فساد کارآمدی لازم را دارد یا خیر؟ چرا مفاسد اقتصادی در این حجم و به طرق مشابه در اقتصاد ما رخ می‌دهد؟ چرا با گذر زمان حجم این مفاسد گسترش یافته و ریشه آن عمیق و عمیق‌تر می‌شود؟

پاسخ به این سوال را باید در انحرافی که در خط فکری و مشی عملکردی دولت‌های پس از جنگ پدید آمد، جست و جو کرد. رواج تفکر توسعه‌گرایی و آزادی اقتصادی باعث شد تا برخی حواشی و مفاسد در بدنه مدیران نادیده انگاشته شده و با توجیه «اغماض از میل‌ها جهت جلوگیری از حیفاها» رانت و انحصار طلبی در بدنه مدیریتی کشور و اطرافیان آنها نهادینه و تئوریزه شود. از این رو پای پدیده‌ای تحت عنوان آفازادگی و امضای طلایی در ادبیات اقتصادی کشور باز شده و فسادها و پرونده‌هایی همچون کرسنت و استات‌اویل در نفت و شهرام جزایری و کرباسچی در نظام مدیریتی شکل

راه جلوگیری از فساد شفاف شدن عملکرد مسئولین و پاسخ‌گویی آن‌ها در کنار اصلاح قوانین و رویه‌های فساد زا و نظام مند کردن رسیدگی‌ها و برخورد قاطع با تخلفات است.

گیرد. اما به واسطه ریشه دواندن این مسأله در بدنه میانی مدیران، تغییر دولت‌ها نیز تأثیر چندانی بر این رویه نداشته و باعث شد پدیده‌های چون بابک زنجانی و فساد سه هزار میلیاردی تا رانت ۶۵۰ میلیون یورویی و رانت ۶ میلیارد دلاری نفتی و برداشت غیرقانونی از صندوق توسعه ملی در دولت مهرورزی و تدبیر و امید رخ دهد.

اما ریشه بروز این مفاسد چیست؟

می‌توان گفت نبود سازوکارهای شفافیت اطلاعات و همچنین نبود پاسخ‌گویی در بدنه مدیران و اتصال این خواص به کانون‌های قدرت و ثروت عامل شکل‌گیری شکاف طبقاتی گشته است. علاوه بر آن شکل‌گیری کاست‌های طبقاتی اینچنینی باعث ایجاد حس یأس و ناامیدی در عامه مردم شده و تلاش برای ثروتمند شدن یک شبه و رواج سوداگری و راه‌های میانبر در کسب ثروت‌های باد آورده را رایج نموده است. از سوی دیگر ادامه این روند منتج به چشم‌پوشی متولیان امر از اصلاح قوانین و سازوکارهای فسادزا شده و بار مسئولیت مبارزه با فساد را از قوه مجریه به قوه قضائیه منتقل کرده است. این درحالی است که علی‌رغم آن قوه قضائیه باید آخرین حلقه مبارزه با فساد باشد، تبدیل به نخستین آنها شده است و گاهی کار به جایی رسیده که این قوه جهت مبارزه با مفاسد از دستگاه اجرایی مطالبه ارائه مدارک می‌کند.

یقیناً یگانه راه جلوگیری از فساد شفاف شدن عملکرد مسئولین و پاسخ‌گویی آن‌ها در کنار اصلاح قوانین و رویه‌های فسادزا و نظام‌مند کردن رسیدگی‌ها و برخورد قاطع با تخلفات است. یقیناً توصیه‌های مؤکد مقام معظم رهبری و گلابه‌های شدید الحن ایشان از مسدولین دولتی و فرمان هشت ماده ای ایشان در خصوص مبارزه با مفاسد اگر مقداری در عمل مسئولین پیاده سازی شود، اوضاع فعلی به طور جدی تغییر خواهد کرد.



کرانه باختری مسلح شد!

انتفاضه‌ی سوم فلسطین، انتفاضه‌ی چاقو

سیدمعین فاطمی

از حدود ۴۰ روز پیش موج جدیدی از حرکت‌های شهادت‌طلبانه‌ی فلسطینیان در مناطق مختلف کرانه‌ی باختری آغاز شده است. با گسترش این عملیات‌های شهادت‌طلبانه به مناطق مختلف کرانه باختری، به مرور این حرکات هویت خود را در قالب انتفاضه‌ی سوم آشکار کرد.

انتفاضه‌ی اول، که به انتفاضه‌ی سنگ مشهور شد در سال ۱۹۸۷ میلادی آغاز شد و تا حدود سال ۱۹۹۳ ادامه یافت و در نهایت به پیمان اسلو ختم شد. پس از گذشت چندین سال و بی‌توجهی رژیم صهیونیستی به وعده‌های خود در عقب‌نشینی از اراضی اشغالی و فزون‌خواهی‌های این رژیم، انتفاضه دوم که به انتفاضه الاقصی شهرت یافت نیز در سال ۲۰۰۰ میلادی آغاز شده و با اجلاس شرم‌الشیخ و تثبیت جایگاه تشکیلات خودگردان به پایان رسید.

در این جنبش‌ها، فلسطینیان اغلب با استفاده از سلاح‌های سرد، مثل سنگ و یا با انجام عملیات شهادت‌طلبانه به مبارزه با اشغالگران صهیونیست می‌پرداختند.

بیش از ۴۰ روز پیش، در اول اکتبر سال میلادی، یک فلسطینی در نابلس با شلیک تیر، موفق به کشته شدن دو اسرائیلی شد. البته یکی از جرقه‌های این حرکات توسط طرح‌های صهیونیست‌های برای یهودی‌سازی مسجداالاقصی و زمینه‌سازی این مسئله توسط طرح جدا کردن

زمانی و مکانی یهودیان و مسلمانان خورد. و پس از آن موج درگیری‌ها ادامه یافت. تا آنجا که تا ده اکتبر ۱۶ فلسطینی در درگیری‌ها به شهادت رسیده و ۱۳ عملیات استشهادی نیز به وقوع پیوست. طبق گزارش‌ها ۸۲ درصد مجریان عملیات‌ها سنی ما بین ۱۷ تا ۲۶ سال دارند. همچنین به گزارش اندیشکده تبیین به نقل از فلسطینیان با صهیونیست‌ها درگیری‌هایی اتفاق افتاده است که این خود حکایت از دامنه‌دار شدن موج جدید این حرکات‌های فداکارانه و گسترش آن به نقاط مختلف دارد. بنابراین ما با یک جنبش و حرکت به نسبت فراگیر، با بدنه‌ای جوان مواجه هستیم.

پس از شروع این حرکات‌ها گروه‌های جهادی مختلف فلسطینی مانند جهاد اسلامی و حماس، به مرور حمایت خود از این خیزش مردمی را اعلام کردند. البته گفتنی است جنبش فتح، مرتبط با تشکیلات خودگردان فلسطین، پس از اعلام تشکیل کمیته‌ی فرماندهی انتفاضه از سوی گروه‌های فلسطینی، هرگونه نقش و حضور خود در این کمیته را طی بیانیه‌ای رد کرد.

برخی تحلیلگران زمینه‌ی اصلی شکل‌گیری انتفاضه سوم را در جنگ ۵۱ روزه‌ی سال گذشته نوار غزه می‌دانند. گفتنی است پس از این جنگ و مقاومت نوار غزه، درگیری‌ها و حرکات‌های

نمایشگاه منافع گروهی

مهدی غلامی

اول. آن‌ها که از نمایشگاه مطبوعات امسال بازدید کرده‌اند، حتماً غرفه‌ای خاص توجه‌شان را جلب کرده است. غرفه‌ای که ورودی‌های آن با روبانی بنفش‌رنگ محصور یا پلمپ شده است. در این غرفه، بر خلاف تمامی غرفه‌ها به جای پخش روزنامه، مجله و ویژه‌نامه تنها به پخش یک قطعه صوت اکتفا می‌شود. صدای رئیس‌جمهور محترم(!): «به تو پناه می‌برم از استبداد رأی، عجله در تصمیم، تقدم نفع شخصی و گروهی بر مصالح عمومی و بستن دهان رقیبان و منتقدان ...» شاید این صدای رئیس‌جمهور، تنها صدای منتقد در نمایشگاه بود، ولی رسانه‌های دیگری نیز اعتراض خود را با عدم حضور خود نشان دادند. رسانه‌هایی که اتفاقاً سهم قابل توجهی از مخاطب را همراه خود داشته‌اند. هر چند اطرافیان دولت سعی داشتند این اعتراض را کم‌اهمیت جلوه دهند. ولی اتفاقاً! اظهار نظر تک‌تک آن‌ها در مورد این برخورد، گواهی بر تأثیرگذار بودن این اعتراض بود. استدلال معترضین نمایشگاه دولتی مطبوعات بیشتر معطوف بر رفتار امنیتی دولت در مواجهه با رسانه‌ها در پیگیری برخی مسائل

مانند تحریم هرگونه اظهار نظر پیرامون ماجرای کرسنت و برخورد سلیقه‌ای و گزینشی دولت در چند ماجرا که از جمله آن می‌توان به دستوری که طی آن به رسانه‌ها ابلاغ شده بود که در نقد توافقات حاصله، فقط حق تعریف و تمجید دارند؛ بود. استدلال دیگر رفتار نااعادانه‌ی وزارت ارشاد در تخصیص حمایت‌های دولت از رسانه‌ها بود. تا جایی که مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور با بیانی صادقانه و البته وقیحانه در حاشیه این نمایشگاه به این اتخاذ سیاست

اعتراف کرد: «آن‌چه که واقعیت دارد این است که یک رابطه مستقیم و مشخص بین کاهش یارانه دریافتی بعضی رسانه‌ها و میزان انتقادشان از سیاست‌های دولت وجود دارد، لذا هر چه میزان انتقاد به سیاست‌های دولت بیشتر باشد یارانه آن رسانه کاهش می‌یابد. البته این رابطه می‌تواند به صورت برعکس نیز وجود داشته باشد. یعنی ممکن است که هر چقدر یارانه کمتر شود انتقاد نیز بیشتر شود.» دوم. مسائلی

که با صحبت‌های رئیس‌جمهور در افتتاحیه نمایشگاه آغاز شد. جملاتی نیش‌دار که از طرفی مؤید سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت علیه رسانه‌های منتقد و از طرف دیگر حمله‌ای رو به جلو در فضای رسانه‌های کشور بود: «شما از بعضی نشریات متوجه می‌شوید فردا چه کسی دستگیر می‌شود... آیا این شد انقلاب و انقلابی‌گری که از یک پایگاه و بخش حکومت به بخش دیگری از حکومت حمله کنیم?...دستگاه قضایی ما باید

مأمن جامعه باشد...هر چیزی اشکال داشته باشد اگر نمک سالم باشد می‌توان جلوی آن را گرفت، اما اگر نمک فاسد باشد کار سخت می‌شود.» صحبت‌هایی که موضع‌گیری صریح و سریع رئیس قوه قضا را نیز به همراه داشت: «چند نکته در باب نصیح بیان می‌کنم...باید پرسید مقصود از این جملات شرطی چیست آن هم در حالی که این جملات برای قوه مجریه هم کاربرد دارد، می‌توان گفت اگر قوه مجریه فاسد شود، اگر دولت فاسد شود و اگر رئیس‌جمهور فاسد شود کار سخت می‌شود...تفاهم برجام کاری

عاقلانه بود اما دلیلی وجود ندارد که این مسئله ملازمه‌ای با افتخار ملی بودن داشته باشد، لاقبل برای بنده روشن نیست که آیا واقعاً نتایج برجام افتخار‌آمیز است?...با وجود امتیازات بسیاری که داده‌ایم چه افتخاری وجود دارد؟» هر چند در این جدل به نظر موضع‌گیری رئیس قوه قضائیه پیرامون برجام صحیح است اما جای این سوال باقی است که چرا تاکنون این اظهار نظر صورت نگرفته بود و زمانی افتخار ملی بودن برجام زیر سوال برده می‌شود که دستگاه تحت مدیریت ایشان مورد عنایت رئیس‌جمهور محترم قرار می‌گیرد و سوال دیگر این که معیار دلسوزی برای نظام و ملت، خدشه وارد کردن به دستگاه

ماست یا زیر پا گذاشتن منافع ملی؟